

آسمیلاسیون

تألیف: علی فتاحی



زاکرو

۱۳۹۸

سرشناسه: فتاحی، علی، ۱۳۶۰
عنوان و نام پدیدآور: مقدمه ای بر آسمیلاسیون در زاگرس غربی
/ تألیف: علی فتاحی.

مشخصات نشر: ایلام: انتشارات زاگرو، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص، ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک: ۶-۷۰-۸۲۳۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: همگون سازی (جامعه شناسی) -- ایران -- زاگرس، منطقه
موضوع: زبان مادری -- جنبه های اجتماعی

موضوع: Native language -- Social aspects

رده بندی کنگره: HM ۸۴۳

رده بندی دیویی: ۳۰۳/۴۸۲

شماره ثبت ملی: ۵۹۲۳۶۰۳



انتشارات زاگرو: ایلام خیابان اشرفی اصفهانی: کوچه ی سوم

مقدمه ای بر آسمیلاسیون در زاگرس غربی

تألیف: علی فتاحی

طرح جلد: لیلا دهبالایی، زهرا حبیبی

چاپ اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

بها: ۲۲۰۰۰ تومان

فهرست

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۱۳	فصل اول
۱۳	چند استان واقعی
۱۴	در فرودگاه مهرآباد
۱۶	یکی از همکاران
۱۷	خواسته های او
۲۰	لهجه محلی
۲۲	برنامه ی افطار
۲۳	در انتشاراتی
۲۵	فصل دوم
۲۵	آسمیلاسیون
۲۶	آسمیلاسیون چیست؟
۳۵	فصل سوم
۳۵	حفظ زبان مادری
۳۶	چرا حفظ زبان مادری مهم است
۴۱	جایگاه و نقش زبان مادری در ارتباطات عاطفی و اجتماعی
۴۵	محرومیت از تحصیل و تکلم به زبان مادری
۴۷	محروم از تحصیل و تکلم به زبان مادری
۴۸	روانشناختی یادگیری و زبان مادری
۵۰	تکلم والدین و اطرافیان با کودکان به زبان مادری

- ۵۳ دو زبانگی و چند زبانگی و سلامت روانی
- ۵۷ آسیمیلیسیون در استان های کرمانشاه و ایلام
- ۵۸ استان کرمانشاه
- ۶۹ استان ایلام
- ۷۱ فصل پنجم
- ۷۱ چند محور اشتباه درباره تکلم با زبان مادری

مقدمه

چیزی که مرا به نگارش این کتاب وا داشت :

سالیان سال بود که من هم مبتلا به بیماری آسیمیله بودم و مانند باقی افراد از بیماری خود کاملاً بی اطلاع. تا اینکه یک اتفاق باعث شد من یک تلنگر شدید بخورم. آن زمانی بود برای دوره ای آموزشی به یکی از شهرهای شمالی که ورمان شدم. شبهنگام در خوابگاه مادرم به من زنگ زد که احوالم را بپرسد. در حین مکالمه با مادر متوجه شدم یکی از هم اتاقی هایم که شیرازی بود با حالت تعجب آوری دارد به من نگاه می کند. وقتی صحبتیم تمام شد بلافاصله از من پرسید مادرت بود که با تو تماس گرفت ؟

گفتم بله

گفت : مادرت فارس است

گفتم : نه کورد است

_: مگر شما کوردی نیستید چرا با هم فارسی حرف می زنید؟

:- چون از بچگی با هم فارسی حرف زده ایم

:- خوب چرا از بچه گی با هم با زبان کوردی صحبت نکرده اید؟

:- برای اینکه در مدرسه دچار مشکل نشویم

:- خوب قرار است دچار چه مشکلی بشوید؟

:- در مدرسه موقع حرف زدن خجالت نکشیم بتوانیم از معلم خود به راحتی

سوال بپرسیم و دیگران به ما نخندند

:- مگر لهجه و زبان شما خجالت آور است ؟

:- نه

:- مگر زبان شما خنده دار است :

:- نه اما آدم فارسی بی لهجه صحبت کند بهتر است

:- مگر فارسی بی لهجه هم داریم

:- خوب ام

:- مگر فارسی بی لهجه مادرت با تو حرف زده ؟؟

:- نه اما ..

:- خوب وقتی لهجه فارسیت تغییر نکرده به سوال اول بر می گردم چرا با هم از اول کورت بخونید ؟

سوالات همین گونه ادامه پیدا کرد و تمامی نداشت . من هم جواب هیچ کدام از سوالات را نمی دانستم لحظه احساس کردم با سوالات بی پایانش دارد روی اعصابم رژه می ریزد . لحظه خواستم بگویم به تو ربطی ندارد اما دیدم بدتر زیر سوال می روم یک لحظه با تندى جواب دادم :

سوالات تمام شد؟

اما دست بردار نبود در حالی که عینکش را از روی چشمش برداشت و مشغول پاک کردنش شد گفت :

از وقتی که زبان مادری را کنار گذاشتید از لحاظ تحصیلی پیشرفت کرده اید ؟
آمار قبولی کنکور تان بالا رفته ؟ مدارج علمی بیشتری کسب کرده اید ؟

باز هم به من و من افتادم . من چرا جواب این سوالات را نمی دانستم . چرا تا حالا به آنها فکر نکرده بودم ؟

ادامه داد :

من در تمام دوران زندگیم با افراد مختلف از شهرهای ایران برخورد کرده ام راستش را بخواهی هیچ شهری مثل شهر کرمانشاه را پیدا نکردم که از زبان مادری فرار کند. مردم در شهر شما از تکلم با زبان اجدادی بیزارند. شاید تنها جایی در روی زمین باشید که خودتان زبان خودتان را مسخره می کنید. لهجه یاران دست مایه طنز است!! اگر کسی ناخواسته کلمه کوردی در بین حرفهایش از دهانش خارج شود هر هر به او می خندید. واقعیت را بگویم هیچ مردی مثل شما پیدا نکردم که کوردی گفتن را نشان عقب افتادگی بداند. در شهر شما هیچ کودکی پیدا نمی شود که بتواند به درستی کوردی بگوید. به ندرت سخن کرمانی پیدا می شود. راستش را بخواهید شما مردم عجیبی هستید!!!

حرفهایش مثل یک پتک سنگین بر رقص مردم فرو می آمد. دوست داشتم محکم مقابل او بیایم و بگویم انگریز نیست. دوست داشتم از شهرم دفاع کنم. اما نمی دانم چرا نمی توانستم!!! شاید این دلیل بود که حرفهایش درست بود. و من دستم از دفاع خالی!!!!

فقط گفتم: شما خودتان لهجه یاران شیرازی است شما هم انگلیزی هستید گفت: ما زبان نداریم ما لهجه داریم و به همین لهجه هم سخنرانی کنیم چون لهجه خود را شیرین می دانیم. شما به شیرازی و خودت قنارت کن. راستش من شیراز رفته بودم و باید اذعان کنم که حرفهایش درباره شهرش درست بود.